امیرحسام زرافشان / ایران

وزارتخانه است. دومین ویژگی این نظام حکمرانی چیزی است که از آن با عنوان کابینه‌های دولایه نام می‌برم، به عنوان مثال، در انگلستان، کره یا ژاپن، معمولاً یک کابینه با تعداد کمی از وزرا وجود دارد؛ در برخی از کشورها مانند انگلستان دپارتمان‌هایی تعریف شده است که یکی از وزرا رئیس آن است و ممکن است ۴ وزیر ذیل آن دپارتمان باشند. نکته اینجاست که از این طریق هرم تصمیم‌گیری را افزایش داده است، یعنی تصمیم‌گیری از سوی تعداد محدودی از افراد که احتمالاً این تعداد محدود، نمایندگی وجه سیاسی را به عهده دارند اتخاذ می‌شود و در سطح پایین‌تر، نمایندگی وجه کارشناسی یا بوروکراتیک سیستم را به عهده دارد، اما در ایران وضع به گونه دیگری است. یک بار از دبیر وقت هیأت دولت تعداد حاضران در جلسه کابینه را پرسیدم، گفتند ۳۷ نفر در جلسه کابینه ایران شرکت می‌کنند. آیا باوجود ۳۷ نفر در یک جلسه، امکان تصمیم‌گیری سریع و چابک وجود دارد؟ این سؤال مطرح می‌شود که برخلاف کشورهایی که برشمردم، چرا در ایران این فرآیند تثبیت شد؟ فرض من این است که ما همیشه سطح اختیار یک فرد یا مدیر را به سطح بالاتر از او تفویض کردیم، به عنوان مثال اختیاری که باید به رئیس یک اداره داده می‌شد، به معاون مدیرکل و اختیار معاون مدیرکل را به مدیرکل دادیم. من ریشه این امر را در یک سیر تاریخی می‌بینم، به این معنی که نسل اول انقلابیون پس از انقلاب تلاش کردند با تشکیل شوراهای مختلف وضعیت را کنترل کنند. پس از آن با مجموعه ای از خیانت‌ها مواجه شدند که خاطره این خیانت‌ها در ذهن شان سنگین تمام شده است، به همین دلیل اجازه ندادند حیطه اختیارات به اندازه مسئولیت‌ها باشد. حیطه اختیارات را محدود و به عبارتی آن را در سطوح بالاتر تعریف و تمرکز آن را بیشتر کردند، اما درعین حالی که از جنس نظری تمرکز بیشتر شده، به دلیل سپرده شدن مسئولیت‌ها به شوراها از سطحی به سطح دیگر انتقال پیدا کرده است. بنابراین وقتی پرسیده می‌شود که چرا نظام حکمرانی ما چابک نیست یا تصمیم سخت گرفته نمی شود، به نوع نظام حکمرانی در ایران و تاریخ آن ربط می‌دهم.

■ **پس چطور توانستیم تصمیمات سخت بگیریم؟**

مجبور بودیم. اگر دورکاری را نمی پذیرفتیم، چه گزینه دیگری داشتیم؟ با وضعیتی مواجه شدیم که گزینه دیگری نداشتیم، پس ناچار شدیم آن گزینه را بپذیریم. دوباره به همان نظام شورایی اشاره می‌کنم، به عبارتی مانند این است که وکیل مدافعان حوزه نو قدرت بیشتری برای جلوبردن اهداف خود پیدا کردند.

■ **طبیعتاً همین ساختار حکمرانی برای حوزه فناوری اطلاعات هم وجود دارد، یعنی تصمیم‌گیری در جای دیگری است، اما همه تیرها به سمت وزارت ارتباطات نشانه می‌رود و همه، حل مشکلات را از شما می‌خواهند. اصلاً شما در زمینه شبکه‌های اجتماعی تصمیم‌گیر رده چندم هستید؟**

اگر از این منظر به مسأله بنگریم، تصمیم‌گیر رده Nام هستیم، مثلاً یکی از تصمیم‌گیران اصلی ،شورای عالی فضای مجازی است. شورای اجرایی فناوری اطلاعات هم هست که از بازیگران داخل دولت تشکیل شده است. این دو، فرآیندهای جاری تصمیم‌گیری حوزه فناوری اطلاعات هستند، غیر از این، شوراهای دیگری هم هستند که وزن شان بیشتر است، به عنوان مثال شورای عالی امنیت ملی که فراقوه‌ای است یا شورای امنیت کشور که داخل دولت است، هر دو این‌ها نگاه امنیتی دارند و براساس این نگاه ممکن است درباره فناوری اطلاعات تصمیماتی اتخاذ کنند؛ به طورکلی، وقتی از تصمیم‌گیری در یک حوزه حرف می‌زنیم، با دو دسته بازیگران مواجه هستیم، یک دسته بازیگرانی که درون آن حوزه هستند و بازیگرانی که خارج از آن حوزه هستند، اما تصمیمات شان در آن حوزه تأثیرگذار است. نکته اینجاست که من به عنوان یک فرد، عضو شورای عالی فضای مجازی نیستم و در جلسات آن هم شرکت نمی کنم. همچنین در شورای عالی فناوری اطلاعات که درون قوه مجریه است هم به لحاظ قانونی عضو نیستم، بلکه به لحاظ فردی دعوت می‌شویم. پس اولین نکته که شاید برای شما جالب باشد، اینکه حتی ممکن است عضو شوراهای درون حوزه ای خودتان هم نباشید.

■ **اما این شوراها درباره مسئولیت‌ها و برنامه‌های حوزه شما تصمیم می‌گیرند.**

درباره همه این‌ها تصمیم می‌گیرند. در فلان شورا که ممکن است درباره فناوری اطلاعات تصمیمی گرفته شود، درحالی که وزیر فناوری اطلاعات و ارتباطات عضو آن شورا نیست، اما طبق قوانین باید از تصمیمات این شوراها تبعیت کرد. به همین نسبت این مسأله در سایر حوزه‌ها نیز وجود دارد، به عنوان مثال، در حوزه واردات، شورایی وجود دارد که برای واردات یا صادرات نرم افزار و سرور تصمیم می‌گیرد و این تصمیم به شدت روی حوزه کاری شما تأثیرگذار است؛ به طور عمومی شهروندان از این نظام تصمیم‌گیری مطلع نیستند، به همین دلیل با تعجب می‌پرسند مگر می‌شود درباره فلان موضوع تصمیمی گرفته شود، اما از شما نظر نخواسته باشند؟

می‌گوییم بله، اتفاقاً چنین چیزی هست. غیر از حوزه فناوری اطلاعات، ممکن است در حوزه های دیگر هم اتفاق بیفتد.

■ **اگر وزارت ارتباطات تصمیم‌گیر نیست، چرا مثلاً برای فیلتر اینستاگرام در موضوعی قرار می‌گیرید که بار مسئولیت بر دوش شما می‌افتد؟**

فکر نمی کنم ما در چنین موضعی قرار می‌گیریم. مسأله این است که شما یا هر شهروند دیگری براساس پیش فرض‌های خود این اظهارات یا موضعگیری‌ها را می‌شنوید؛ درست مانند همان اتفاقی که درباره واردات موبایل افتاد. هیچ وقت و در هیچ جا گفته نشد که اختیار این تصمیم برعهده ما است، این صرفاً انتظار عمومی است. بسیاری از موارد خبررسانی ما به این صورت است که با فلان نهاد صحبت کرده و از آنان خواسته‌ایم تصمیم خود را تغییر بدهند، اما مردم فقط بخشی از این جمله را می‌شنوند و فکر می‌کنند شما به آنان وعده انجام فلان کار را داده اید. ممکن است شما سؤال دیگری بپرسید، سؤالی که من از خودم می‌پرسم مبنی بر اینکه اگر هیچ کدام این مسئولیت‌ها را ندارید، پس چرا حاضر می‌شوید روی این صندلی بنشینید؟ اما این یک سؤال جدی است. واقعیت این است که همه این فرآیندهایی که برشمردم، به این معنا نیست که حوزه اختیار شما صفر باشد، زیرا وقتی تصمیم‌گیری‌ها شورایی است، یعنی در مواردی حق رأی دارید و می‌توانید نقش وکیل مدافع حوزه خود یا وکیل مدافع صدای بخشی از شهروندان را ایفا کنید. هیچ کس نمی تواند وکیل مدافع صدای همه شهروندان باشد؛ در تصمیم‌گیری‌ها در این نظام شورایی ممکن است گروه‌های مختلف صداهای مختلفی داشته باشند. بنابراین مهم است که شما فردی را در آن شورا داشته باشید که نقش صدای این گروه خاص را در آن نظام تصمیم‌گیری ایفا کند. به این ترتیب، من می‌توانم در بسیاری از جلسات یا تصمیم‌گیری‌ها صدای گروهی از شهروندان باشم که صدای این گروه از شهروندان در نظام تصمیم‌گیری یا در آن شورای تصمیم‌گیری کمتر شنیده می‌شود. به همین دلیل در بسیاری از جلسات که موضوعات حساس بررسی می‌شود، این جمله را تکرار می‌کنم که «اگر الان حرفی می‌زنم، به این دلیل است که می‌خواهم وکیل مدافع این بازیگران باشم، وکیل مدافع مثلاً گروه نوآور و شرکت استارتاپی باشم.» آیا این به این معنی است که همه این موارد در حیطه اختیارات من است؟ قطعاً خیر، اما اگر من نباشم یا خودخواسته خودم را حذف کنم، به معنای این است که به دست خودمان فرصت شنیده شدن صدای بخشی از جامعه را در حکمرانی از بین برده ایم.

■ **در دوره کرونا در حوزه فناوری اطلاعات اتفاقات خوبی افتاد. آقای میدری، معاون وزیر رفاه برخی را برای ما تشریح کرد، مانند اینکه مسأله‌ای به نام وثیقه‌های الکترونیکی مورد پذیرش قرار گرفت، درحالی که از سال ۹۶ روی میز سیاستگذار بود و تصمیم گرفته نمی‌شد. چه دستاوردهای دیگری در دوره کرونا داشتیم؟**

مهم‌ترین آنها مسأله احراز هویت الکترونیکی بود. اهمیت این مسأله در این است که همه فعالیت‌ها در حوزه قانون و دولت دربستر الکترونیک، نیازمند شناسایی افراد است، یعنی کاربری که درخواست وام دارد یا سهام خرید و فروش کند، شناسایی شود. این اتفاق خیلی مهم بود که در دو مرحله هم اتفاق افتاد؛ یکی احراز هویت غیرحضوری که می‌تواند مساوی باشد با امضای دیجیتال و دیگر اینکه وقتی می‌خواستیم با شهروندی ارتباط برقرار کنیم، ابزاری وجود نداشت که فقط منحصر به این شهروند باشد یا آنچه در انگلیسی یونیک خوانده می‌شود. در دوره کرونا، برای اعطای وام یک میلیون تومانی به ۲۴ میلیون سرپرست خانوار، به همه شماره موبایل‌هایی که آن فرد در اختیار داشت پیامک ارسال کردیم و از او خواستیم فقط از یک شماره برای ما پیامک ارسال کند تا ما از آن به بعد آن شماره را به عنوان راه ارتباطی با آن فرد بشناسیم. به این ترتیب، اگر بعداً اتفاقی بیفتد، شماره موبایل واحدی از هر شهروند داریم که خود او اعلام کرده است از این به بعد با این شماره با من تماس بگیرید. در همین فرآیند متوجه شدیم در کشور ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار سرپرست خانوار هستند که هیچ شماره موبایلی به نام خودشان ندارند.

برای صدور سیمکارت رایگان به نام این افراد، ابتدا صف‌هایی تشکیل شد که در ادامه، به صورت رایگان و از طریق پست، سیمکارت‌ها برای این افراد ارسال شد. به این ترتیب، امروز هر سرپرست خانوار در ایران یک شماره موبایل خاص خود دارد. از سوی دیگر، میزان ترافیک اینترنت مصرفی شهروندان حدوداً دو برابر شد و این اتفاقی نیست که یک روزه رخ دهد. میزان استفاده بسیاری از سرویس‌های اینترنتی نیز به همین میزان رشد داشت که اتفاق بسیار مهمی در حوزه اقتصاد دیجیتال بود. بسیاری از کسب و کارهایی که پیش از این نسبت به آنها نگاه منفی وجود داشت، بویژه در حوزه بهداشت و آموزش، اجازه فعالیت پیدا کردند. شبکه پیام ایران که البته هنوز در پیچ و خم گرفتن مجوز آن هستیم، بزودی راه اندازی می‌شود. با این شبکه، هر فردی می‌تواند نامه‌های اداری خود را به هر سازمان دولتی به صورت الکترونیکی ارسال کند و در دبیرخانه آن سازمان هم ثبت می‌شود، همچنین نامه شرکت‌ها به سازمان‌ها و بالعکس هم به همین ترتیب خواهد بود. راه اندازی این شبکه نیازمند برخی مصوبات است که امیدواریم بزودی نهایی شود. در ابتدای شهریورماه اتفاق بزرگی خواهیم داشت، اینکه حدوداً ۹۹ درصد مدارس ایران به شبکه ملی متصل یا شبکه اختصاصی مدارس متصل می‌شوند. غیرازاین، یک ترافیک رایگان برای هر مدرسه و هر دانش‌آموز تعریف شده که خدمات و سرویس‌های رایگانی هم در آن هست. این اتفاق کمتر از یک ماه دیگر باید بیفتد و کرونا نیز این مسأله را تسریع کرده است. در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هم برگزاری کنسرت‌های آنلاین مورد توجه مردم قرار گرفت. غیر از این، در این مدت همه موزه‌های اصلی کشور و مراکز کشور با یک بسته رایگان به اینترنت متصل شدند، ضمن اینکه بسیاری از مراکز اصلی را از طریق فیبر نوری متصل کردیم. برای اولین بار بسیاری از فیلم‌ها، اکران خود را صرفاً و صرفاً در شبکه‌های ویدئوی درخواستی، وی.او.دی‌ها یا آی.پی.تی.وی‌ها انجام دادند که موفقیت‌های خوبی ثبت شد و برخی از فیلم‌های سینمایی فروش‌های چند میلیاردی داشتند.

در حوزه مکاتبات اداری، دورکاری اتفاق افتاد که به نوبه خود نیازمند تصویب قانون دورکاری یا ایجاد شبکه‌های امن دورکاری و تعریف دسترسی‌های افراد از بیرون سازمان به داخل سازمان‌ها بود. این اتفاق مهم به مدد همین دوران پیش رفت. در بسیاری از حوزه های اقتصادی هم فعالیت‌ها به همین سمت رفت که خرید و فروش سهام و سهام عدالت یکی از این موارد بود. توسعه «کیف پول» یکی دیگر از این موارد است. اکنون مصوبه اولیه آیین نامه کیف پول در هیأت عامل بانک مرکزی اخذ شده و برای طی مراحل بعدی قانونی، در نوبت جلسه شورای پول و اعتبار قرار دارد. کیف پول، مسأله‌ای است که سال‌ها پشت در سیاستگذاری مانده بود و جلو نمی‌رفت. پرداخت‌ها از طریق کیو.آر.کد QR مصوب شد. درصورت عملیاتی شدن کیو.آر.کد دیگر لازم نیست برای پرداخت‌های خود از طریق کارت استفاده کنید. در این شیوه کیو.آر.کد استانداردی برای همه مغازه‌ها یا اماکنی که می‌تواند محل تجمع مردم باشد ایجاد می‌شود که اتفاق کمی نیست. ایجاد «دیتابانک» یا بانک اطلاعات کارفرمایان تا اطلاعات خود را وارد کنند، در دوره کرونا اتفاق افتاد. به همین دلیل دیگر شناسایی کارگاه‌های آسیب دیده و پرداخت‌ها به آنان با سهولت بیشتری انجام شد. در کنار همه اینها، یک اتفاق خوب دیگر، پذیرش دورکاری از سوی بیمه‌ها بود. تا پیش از این ممکن بود مردم برای امور بیمه‌ای خود وارد یک سازمان شوند، اما مسئول آن نباشد و همین باعث جریمه آنان شود، اما امروز دیگر این اتفاق نمی‌افتد، زیرا دورکاری در این حوزه با استناد به مقرراتی پذیرفته شده است. همه این اتفاقات در عرض چند ماه افتاد و اگر این چند ماه‌ها بیشتر وجود داشته باشد، اتفاقات به مراتب بهتری هم می‌تواند بیفتد.

■ **هرچند شما به این دستاوردها اشاره کردید، اما سازمان شما در ماجرای ثبت کارت‌های بانکی به جای کارت سوخت، شکست خورد. باوجود آغاز اقدامات عملی، طرح شما کنار زده شد و کارت سوخت احیا شد.**

با طرح ما مخالفت شد، اما یک ماه پس از احیای کارت سوخت و حتی امروز هم، میزان لیتر بنزینی که با کارت بانکی به شهروندان داده می‌شود، بیش از میزان لیتری است که مردم با کارت‌های سنتی سوخت‌گیری می‌کنند. زیرا آژانس‌ها، تاکسی‌های اینترنتی و خیلی از گروه‌های خاص دریافت کننده انرژی به صورت سهمیه، فقط و فقط می‌توانستند از این روش استفاده کنند. اتفاقاً این مسأله نمونه جالبی است از اینکه یک بخش سنتی چگونه می‌تواند با یک راهکار مدرن و راهکارهای مدرن مخالفت کند و درنهایت بعد از اینکه هزینه‌هایی را به کشور تحمیل کرد، از تصمیم خود برگردد و از همان روش مدرن استفاده کند.

■ **یک بخش سنتی که همچنان در برابر نوآوری مقاومت می‌کند، صداوسیما است. حتی در ستاد ملی مبارزه با کرونا هم دیده شد که رئیس صداوسیما، در برابر درخواست تبلیغات استارتاپ‌هایی که در ایام کرونا به کمک نظام توزیع کالا و خدمات آمده بودند، مقاومت کرد و در نهایت هم این سازمان حاضر نشد فضای تبلیغاتی به این شرکت‌ها اختصاص بدهد. اقتصاد سیاسی این رویکرد صداوسیما چیست؟**

صداوسیما با یک شرکت قراردادی منعقد کرده و طی آن به صورت انحصاری تبلیغات بخش مدرن صداوسیما، مانند کدهای دستوری ستاره مربع یا تبلیغات این حوزه را به آن شرکت واگذار کرد. این قرارداد انحصاری باعث می‌شود که آن شرکت خاص، هم در یک جایگاه انحصاری بنشیند وهم در آن جایگاه انحصاری، شروع کند به انتخاب کردن و حتی باجگیری از شرکت‌های استارتاپی که به ازای تبلیغ برای این شرکت‌ها، بخشی از سهام آنها را بگیرد.

■ **شرکت‌های استارتاپی عموماً به چنین قراردادهای انحصاری با صداوسیما دسترسی ندارند.**

همین طور است. یکی از سؤالات بسیار مهم این است که اولاً خود این قرارداد انحصاری محل اشکال است، ثانیاً آن قرارداد انحصاری دقیقاً با چه کسانی بسته شده است و سهامداران آنان چه کسانی هستند؟

■ **این سؤال‌ها برای شما روشن نیست؟**

بخشی از آن برای من روشن است.

■ **مسأله دیگر تلویزیون‌های اینترنتی است. پس از اظهارنظر وزیر ارتباطات، سازمان بازرسی مخالفت کرد. از زاویه حکمرانی، چطور وزیر ارتباطات این خبر را اعلام می‌کند، اما بعداً یک نهاد نظارتی آن را رد می‌کند و می‌گوید چنین چیزی ممکن نیست و خلاف قانون اساسی است؟**

از نظر ما اساساً نقص قانونی وجود ندارد. طرح «انتخاب هر ایرانی، یک تلویزیون اینترنتی» برای این بود که میزان استفاده مردم از شبکه ثابت افزایش یابد. یک طرح تشویقی درنظر گرفتیم که افراد می‌توانستند در مدت محدودی هم درخواست بدهند تا شبکه ADSL ثابت خود را افزایش بدهند و هم اینکه کسانی که ADSL داشتند، به آنان یک ماه به صورت رایگان اکانت داده می‌شد، این اکانت هدیه آن شرکت‌ها بود و یک شرکت خصوصی می‌تواند این کار را انجام دهد. موضوع دوم این است که این شرکت‌ها از کجا مجوز می‌گیرند؟ جالب این است که مجوز این شرکت‌ها از صداوسیما است، یعنی ما تمام شرکت‌هایی را که از صداوسیما مجوز داشتند در این جشنواره پذیرفتیم و شرکتی را که از صداوسیما مجوز نداشت اساساً در جشنواره نمی‌پذیرفتیم. این مسأله، این طور به ما می‌گوید که گویی یک معاونت صداوسیما همکار ما می‌شود، معاونت دیگر صداوسیما شاکی ما. همین مسأله نشان می‌دهد که وقتی از صداوسیما صحبت می‌کنیم، به این معنی نیست که با یک کل منسجم رو به رو باشیم، بلکه آنجا هم مانند هرجای دیگری، بازیگران نوگرا با بازیگران سنتی، درون خود چالش‌ها و درگیری‌هایی دارند. بنابراین درپاسخ به شما، این فرآیند کاملاً قانونی است و کاملاً هم قانونی پیش می‌رود و هنوز هم هیچ ابلاغیه‌ای مبنی بر اینکه این فعالیت غیرقانونی است به ما داده نشده است.

■ **«وس» چه میزان گردش مالی داشت و به چه سرانجامی رسید؟**

گردش مالی آن در حدود سال ۹۵، ۳ هزار میلیارد تومان در سال بود. مسأله ما این بود که اگر یک فرد به صورت آگاهانه این خدمات را انتخاب می‌کرد، هیچ مشکلی وجود نداشت و ما هم هیچ وقت مخالف آن نبودیم، اما اینکه از ناآگاهی مردم سوءاستفاده شود، مسأله دیگری است. به عنوان مثال، اینکه هنگام پخش یک سریال یا در یک اپلیکیشن، به صورت ناخواسته با زدن یک شماره‌ای یا نصب یک نرم‌افزار عضو یکی از این سرویس‌ها شوید و به صورت ناخواسته و با سوء استفاده از ناآگاهی شما روزانه ۱۰۰ تا ۵۰ تومان از حساب شما برداشت کنند، ما با این مسأله مشکل داریم. البته با ایجاد کیف پول‌ها که امیدواریم مصوبه آن نهایی شود، بخش عمده‌ای از این مشکل حل خواهد شد. زیرا در این صورت کاربران می‌توانند در کیف پول خود سقفی تعیین کنند که مثلاً ماهانه می‌خواهم با فلان رقم در این بازی‌ها یا مسابقه‌ها شرکت کنم. در این صورت این انتخاب آگاهانه یک کاربر است و ما هیچ مداخله‌ای نخواهیم کرد. امروز این مسأله دارد به صفر میل می‌کند. زیرا هنوز ممکن است از همان سیستم برای امور دیگر، مانند شارژ موبایل استفاده شود که داریم آن را هم جمع می‌کنیم.

■ **پای یکی از پست‌های شما در توئیتر، نوشته شده بود که دفاتر پیشخوان یا دفاتر الکترونیک دولت یک تناقض است، زیرا از الکترونیکی بودن فرآیندها صحبت می‌شود، اما درعین حال شما ناچارید برای کارهای خود در این دفاتر حاضر شوید، کپی بگیرید، کارت بکشید و قس علی هذا. یا پلیس به اضافه ۱۰ هنوز هم هست. پاسخ شما چیست؟**

باید با یک نگاه تاریخی به این مسأله بنگریم. بویژه اینکه این مسأله نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورها هم صادق است. به‌طور کلی وقتی وارد دوره خدمات الکترونیکی می‌شوید، باید درنظر بگیرید که شاید بخشی از مردم سواد دیجیتالی لازم یا ابزار آن را نداشته باشند. در دنیا برای حل این مسأله، پیشخوان‌های دولت را تعریف کردند که در ایران نیزهمین کار را کردیم. ابتدا پیشخوان‌های دولت خدماتی ارائه می‌دهند تا زمانی که خدمات الکترونیکی می‌شود و سواد الکترونیکی و میزان دسترسی مردم به اینترنت هم افزایش پیدا می‌کند. به عنوان مثال در سال ۹۲ میزان دسترسی به اینترنت در ایران ۲۲ درصد بود و امروز این میزان به ۹۰ درصد رسیده است. معنای ضمنی این پیشرفت این است که مشتری‌های این پیشخوان‌ها کاهش یافته است، اما درعین حال این پیشخوان‌ها تمایل ندارند تا از وظایف آنان کم شود. این تضاد منافع فقط مربوط به پیشخوان‌ها نیست، در بیمه‌ها هم این اتفاق می‌افتد. ما تعداد زیادی شرکت بیمه داریم که کارگزار بیمه هستند. اکنون که فرآیندها الکترونیکی شده است، مشتری آنان هم کم شده است، زیرا مردم از طریق سایت و موبایل بیمه خود را خریداری می‌کنند. طبیعتاً در این صورت این گروه نخستین معترضان توسعه الکترونیکی خواهند بود. این قضیه برای پلیس +۱۰ هم صادق است، زیرا اگر شما خدماتی مانند سوء پیشینه را الکترونیکی کنید، او کارکرد، مشتری و شغل خود را از دست می‌دهد. پس ما با گروه‌های مختلف با منافع مختلف رو به رو هستیم. الزاماً به این معنی نیست که این گروه‌ها مخالف توسعه هستند، بلکه واقعیت این است که آنان خواسته‌ای دارند مبنی بر اینکه درصورت الکترونیکی شدن، شغل من چه می‌شود؟ حرف او چیزی نیست که بتوانید نادیده بگیرید و به خاطر توسعه همه آنان را حذف کنید. در چنین شرایطی به در پیش گرفتن رفتارهای مصالحه‌آمیز ناچار می‌شوید. یعنی حتی ممکن است خدمتی الکترونیکی شده باشد، اما بنابرهمین ملاحظات، تصمیم گرفته می‌شود که همچنان به صورت حضوری ارائه شود. در چنین مواردی است که در شوراهایی که پیشتر درباره آن صحبت کردم، من به عنوان رئیس سازمان فناوری اطلاعات وکیل مدافع حوزه نوگرا خواهم بود. من مشکل و درد کارگزار بیمه یا کسی را که پیشخوان دولت دارد می‌فهمم، اما نقش من در آن شورا وکیل مدافع استارتاپ‌ها است. قاعدتاً در آن شورا افرادی وکیل مدافع آن گروه پیشخوان یا پلیس+۱۰ هستند. آنچه در بسیاری از موارد از آن به عنوان موانع توسعه دولت الکترونیک یاد می‌کنیم، ازاین جنس است. برداشت شخصی من درباره کارت‌های سوخت این بود که مسأله دقیقاً از همین جنس بود. من وکیل مدافع گروه‌های فعال در اقتصاد دیجیتال بودم که تمایل داشت این کار به صورت دیجیتالی انجام شود، درمقابل گروه‌هایی هم وجود داشتند که وکیل مدافع مشاغل دیگر بودند. در دولت یا هر نظام تصمیم‌گیری یا درهر کشوری، افراد صداهای گروه‌های مختلف برای توسعه هستند. مهم این است که ما یک فرآیند شفاف داشته باشیم که اولاً تبادل اطلاعات و آرا در آن مشخص شود و معلوم شود که هر فرد در طول زندگی حرفه‌ای خود مدافع چه نگاهی بوده است، دوم اینکه گروه‌های مختلف بتوانند نمایندگان خود را سر میز سیاستگذاری داشته باشند. هر گروهی که نماینده خود را سر میز تصمیم‌گیری از دست می‌دهد، هر لحظه می‌تواند منتظر یک تصمیم باشد که برای او شگفتی خواهد داشت و خیلی از اوقات می‌تواند او را از بین ببرد. بنابراین تصمیم‌گیری در این موضوعات به همین سادگی نیست، زیرا شما با اشتغال افراد هم سروکار دارید، باید راه حل میانه‌ای ساخت که خیلی از اوقات تبلور آن در مجموعه قوانینی است که می‌گوید اگر می‌خواهید فلان استارتاپ را راه اندازی کنید، باید یک سهامدار حوزه سنتی را هم داشته باشید، برای اینکه نمی‌خواهد آن حوزه سنتی بیکار شود.

نیم نگاه

■ **صداوسیما با یک شرکت قراردادی منعقد کرده و طی آن به صورت انحصاری تبلیغات بخش مدرن صداوسیما، مانند کدهای دستوری ستاره مربع یا تبلیغات این حوزه را به آن شرکت واگذار کرد. این قرارداد انحصاری باعث می‌شود که آن شرکت خاص، هم در یک جایگاه انحصاری بنشیند وهم در آن جایگاه انحصاری، شروع کند به انتخاب کردن و حتی باجگیری از شرکت‌های استارتاپی که به ازای تبلیغ برای این شرکت‌ها، بخشی از سهام آنها را بگیرد. یکی از نکات بسیار مهم این است که اولاً خود این قرارداد انحصاری محل اشکال است، ثانیاً آن قرارداد انحصاری دقیقاً با چه کسانی بسته شده است و سهامداران آنان چه کسانی هستند؟**

■ **در دوره کرونا، فناوری ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی کمک‌های مشخصی داشتند تا جایی که بسیاری از آدم‌ها فکر کردند اگر چند سال پیش با کرونا مواجه شده بودیم و دسترسی‌های امروز را نداشتیم، چگونه می‌خواستیم با کرونا مقابله کنیم؟**

■ **یکی از مهم‌ترین چالش‌های کسانی که مخالف فضای مجازی هستند، این است که وزن بسیار زیادی به فضای مجازی می‌دهند و فکر می‌کنند با یک خبر در فضای مجازی می‌توانند عالم واقعیت را کنترل کنند که این رویکرد خطرناک است**

■ **در شوراهای عالی ممکن است درباره فناوری اطلاعات تصمیمی گرفته شود، درحالی که وزیر فناوری اطلاعات و ارتباطات عضو آن شورا نیست، اما طبق قوانین باید از تصمیمات این شوراها تبعیت کرد. به همین نسبت این مسأله در سایر حوزه‌ها نیز وجود دارد، به عنوان مثال، در حوزه واردات، شورایی وجود دارد که برای ورود یا صادرات نرم افزار، سرور یا موبایل تصمیم می‌گیرد و این تصمیم به شدت روی حوزه کاری شما تأثیرگذار است؛ به طور عمومی شهروندان از این نظام تصمیم‌گیری مطلع نیستند، به همین دلیل با تعجب می‌پرسند مگر می‌شود درباره فلان موضوع تصمیمی گرفته شود، اما از شما نظر نخواسته باشند؟ می‌گوییم بله، اتفاقاً چنین چیزی هست و در همه حوزه‌ها نیز وجود دارد.**

■ **در ابتدای شهریورماه اتفاق بزرگی خواهیم داشت، اینکه حدوداً ۹۹ درصد مدارس ایران به شبکه ملی یا به شبکه اختصاصی مدارس متصل می‌شوند. غیرازاین، یک ترافیک رایگان برای هر مدرسه و هر دانش‌آموز تعریف شده که خدمات و سرویس‌های رایگانی هم در آن هست**